

Submit Date: 24 July 2025
Revise Date: 10 December 2025
Accept Date: 17 December 2025
Initial Publish: 07 January 2026
Final Publish: 22 December 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Evaluating the Effectiveness of Iran's Executive Criminal Policy in Preventing Smuggling and Customs Violations: A Critical Assessment of Organizational Performance

Rashin Mirzaee¹, Jafar Koosha^{*2}, Bagher Shamloo³

1. Department of Criminal Law and Criminology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: j_kousha@sbu.ac.ir

ABSTRACT

Smuggling and customs violations constitute one of the chronic challenges of Iran's economy, the consequences of which extend beyond reduced government revenues to include disruption of trade policies, weakening of domestic production, and expansion of the informal economy. Despite the enactment of numerous laws in recent years, the effectiveness of executive criminal policy in confronting this phenomenon remains questionable, making it necessary to examine the gap between legislative criminal policy and its execution. The objective of this study is to evaluate the effectiveness of Iran's executive criminal policy in preventing smuggling and customs violations, with a focus on critiquing the institutional structure, examining implementation weaknesses, analyzing technological deficiencies, and exploring the consequences of misalignment between legislation and enforcement. This research adopts a descriptive-analytical approach based on documentary study. Data were collected from statutory laws, official reports of executive institutions, documents related to the performance of the Customs Administration and the Anti-Smuggling Headquarters, and relevant academic sources, and were analyzed using qualitative and institutional analysis methods. The findings indicate that Iran's executive criminal policy faces four fundamental categories of challenges: a structural gap between legislative criminal policy and executive capacities; implementation problems, including institutional incoherence, overlapping mandates, and inadequate training of human resources; technological and informational deficiencies, such as the absence of integrated intelligent systems, weak data exchange, and lack of a risk management system; and supervisory and performance shortcomings within responsible organizations, including the Customs Administration, law enforcement agencies, and the Organization for the Enforcement of Governmental Punishments. These factors have led to reduced deterrence, increased opportunities for smuggling, and waste of supervisory capacity. The results demonstrate that enhancing the effectiveness of executive criminal policy in Iran requires a fundamental revision of the institutional structure, strengthening inter-organizational coordination, developing technological infrastructure, integrating information systems, and aligning legal provisions with the actual capacities of enforcement. Only through achieving coherence in criminal policy and addressing the legislative-executive gap can a sustainable reduction in smuggling and an improvement in the integrity of the national trade system be attained.

Keywords: Executive criminal policy; smuggling; customs violations; institutional incoherence; risk management.

How to cite: Mirzaee, R., Koosha, J., & Shamloo, B. (2026). Evaluating the Effectiveness of Iran's Executive Criminal Policy in Preventing Smuggling and Customs Violations: A Critical Assessment of Organizational Performance. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(4), 1-17.



تاریخ ارسال: ۲ مرداد ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۱۹ آذر ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۲۶ آذر ۱۴۰۴
تاریخ چاپ اولیه: ۱۷ دی ۱۴۰۴
تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

ارزیابی کارآمدی سیاست جنایی اجرایی ایران در پیشگیری از قاچاق و تخلفات گمرکی با رویکرد نقد عملکرد سازمان‌ها

راشین میرزائی^۱، جعفر کوشا^{۲*}، باقر شاملو^۳

۱. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 ۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
 ۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
- * پست الکترونیک نویسنده مسئول: j_Kousha@sbu.ac.ir

چکیده

قاچاق و تخلفات گمرکی یکی از چالش‌های مزمن اقتصاد ایران است که آثار آن فراتر از کاهش درآمدهای دولت بوده و موجب اختلال در سیاست‌های تجاری، تضعیف تولید داخلی و گسترش اقتصاد غیررسمی می‌شود. علی‌رغم تصویب قوانین متعدد در سال‌های اخیر، همچنان کارآمدی سیاست جنایی اجرایی در مقابله با این پدیده محل تردید است و بررسی شکاف میان سیاست جنایی تقنینی و اجرایی ضرورت دارد. هدف این پژوهش، ارزیابی کارآمدی سیاست جنایی اجرایی ایران در پیشگیری از قاچاق و تخلفات گمرکی با تمرکز بر نقد ساختار نهادی، بررسی ضعف‌های اجرایی، تحلیل نارسایی‌های فناورانه و واکاوی پیامدهای ناهماهنگی میان تقنین و اجراست. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی انجام شده است. داده‌ها از قوانین موضوعه، گزارش‌های رسمی نهادهای اجرایی، اسناد مرتبط با عملکرد گمرک و ستاد مبارزه با قاچاق، و منابع علمی مرتبط گردآوری شده و با روش تحلیل کیفی و نهادهای مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که سیاست جنایی اجرایی ایران با چهار دسته چالش اساسی مواجه است: شکاف ساختاری میان سیاست جنایی تقنینی و ظرفیت‌های اجرایی، مشکلات اجرایی شامل ناهماهنگی نهادی، تداخل وظایف و ضعف آموزش نیروی انسانی، نارسایی‌های فناورانه و اطلاعاتی همچون نبود سامانه‌های هوشمند یکپارچه، ضعف تبادل داده و فقدان نظام مدیریت ریسک، کاستی‌های نظارتی و عملکردی در سازمان‌های مسئول، از جمله گمرک، نیروی انتظامی و تعزیرات. این عوامل موجب کاهش بازدارندگی، افزایش فرصت‌های ارتکاب قاچاق و اتلاف ظرفیت نظارتی شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کارآمدی سیاست جنایی اجرایی در ایران نیازمند بازنگری اساسی در ساختار نهادی، تقویت هماهنگی بین‌سازمانی، توسعه زیرساخت‌های فناورانه، یکپارچه‌سازی سامانه‌های اطلاعاتی و تطبیق قوانین با ظرفیت‌های واقعی اجراست. تنها از طریق انسجام بخشی به سیاست جنایی و رفع شکاف تقنینی-اجرایی است که می‌توان به کاهش پایدار قاچاق و ارتقای سلامت نظام تجاری کشور دست یافت.

کلیدواژگان: سیاست جنایی اجرایی، قاچاق، تخلفات گمرکی، ناهماهنگی نهادی، مدیریت ریسک.

نحوه استناددهی: میرزائی، راشین، کوشا، جعفر، و شاملو، باقر. (۱۴۰۵). ارزیابی کارآمدی سیاست جنایی اجرایی ایران در پیشگیری از قاچاق و تخلفات گمرکی با رویکرد نقد عملکرد سازمان‌ها. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۴)، ۱-۱۷.

مقدمه

قاچاق و تخلفات گمرکی یکی از چالش‌های پایدار و تأثیرگذار بر نظام اقتصادی ایران است؛ چالشی که نه تنها موجب کاهش درآمدهای دولت، اختلال در سیاست‌های حمایتی و تضعیف تولید داخلی می‌شود، بلکه امنیت اقتصادی و تجاری کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگرچه طی سال‌های اخیر قوانین متعدد، اصلاحات مختلف و سازوکارهایی برای مقابله با قاچاق تصویب شده است، اما بررسی عملکرد دستگاه‌های اجرایی نشان می‌دهد که تحقق اهداف تقنینی، یعنی پیشگیری مؤثر از قاچاق، به دلایل گوناگون در سطح اجرا محقق نشده است. شکاف میان سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی اجرایی، یکی از اساسی‌ترین دلایل این ناکارآمدی است؛ شکافی که ساختارهای اجرایی، نظارتی و اطلاعاتی کشور را با چالش جدی مواجه کرده و موجب شده است سیاست جنایی نتواند نقش واقعی خود را ایفا کند (Dāvūdī, 2022). بررسی محتوای قوانین مرتبط، عملکرد سازمان‌های اجرایی و نظام‌های نظارتی نشان می‌دهد که نبود هماهنگی نهادی، ضعف در ابزارهای کنترلی، عدم اتصال سامانه‌های اطلاعاتی و برداشت‌های متعارض از مقررات، نظام پیشگیری از قاچاق را به شدت تضعیف کرده است. به‌رغم وجود قانون امور گمرکی، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و انبوهی از آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، همچنان اجرای هماهنگ و کارآمد این قوانین با مانع‌های ساختاری، اجرایی و فناورانه مواجه است. این وضعیت، فاصله میان «قانون مطلوب» و «اجرای واقعی» را افزایش داده و موجب شده قاچاق از یک پدیده صرفاً اقتصادی فراتر رفته و به مسئله‌ای ساختاری در سیاست جنایی کشور تبدیل شود (Najafi, 2018). مسئله اصلی آن است که چرا با وجود تصویب قوانین متعدد و به‌ظاهر جامع در حوزه قاچاق و گمرک، همچنان در سطح اجرا شاهد ناکارآمدی، ناهماهنگی و ضعف جدی در پیشگیری از قاچاق هستیم؟ به عبارت دیگر، چه عواملی

سبب شده سیاست جنایی اجرایی در ایران نتواند اهداف پیش‌بینی‌شده در مرحله تقنین را محقق کند و چه موانعی عملکرد سازمان‌های مسئول را با اختلال مواجه می‌سازد؟ بر این اساس سؤال اصلی تحقیق این است که :

۱- سیاست جنایی اجرایی ایران در پیشگیری از قاچاق و تخلفات گمرکی تا چه اندازه کارآمد است و چه عواملی بیشترین تأثیر را بر کاهش کارآمدی آن دارند؟

ضرورت این پژوهش از آنجاست که قاچاق، سالانه میلیاردها تومان خسارت اقتصادی به کشور تحمیل می‌کند و بدون تحلیل دقیق و منسجم از ساختارها و فرآیندهای اجرایی، اتخاذ راهبردهای اصلاحی امکان‌پذیر نیست. همچنین، مطالعات موجود بیشتر بر جنبه‌های تقنینی یا اقتصادی قاچاق تمرکز کرده‌اند و بررسی جامع کارآمدی سیاست جنایی اجرایی و نقد عملکرد سازمان‌های درگیر کمتر انجام شده است. این پژوهش با پر کردن این خلأ، می‌تواند مبنایی علمی برای بازنگری سیاست‌ها، اصلاح ساختارها و تقویت هماهنگی نهادی فراهم کند. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از مطالعه اسنادی، تحلیل محتوای قوانین، بررسی گزارش‌های رسمی سازمان‌های اجرایی و همچنین تحلیل نهادی، به ارزیابی عملکرد سیاست جنایی اجرایی ایران می‌پردازد. داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، اسناد حقوقی و گزارش‌های سازمانی گردآوری و سپس به‌صورت کیفی تحلیل شده‌اند تا ابعاد مختلف مسئله به‌طور منسجم تبیین گردد.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

مفهوم سیاست جنایی

سیاست به‌طور مختصر و ساده، عبارت است از درک، تدبیر و اداره مسایل و امور جامعه. بدین سان سیاست جنایی از یک سو، با تجزیه و تحلیل و فهم یک امر خاص در جامعه، یعنی پدیده مجرمانه و از سوی دیگر، با عملی ساختن یک استراتژی (راهبرد) به منظور پاسخ به وضعیت‌های بزهکاری یا کژروی (انحراف) در

ارتباط است. در واقع پدیده مجرمانه، در معنای وسیع آن، تنها از جرایم کیفری، یعنی خلاف، جنجه و جنایت، تشکیل نمی‌شود، بلکه شامل مجموعه رفتار و کردارهایی نیز می‌شود که صرف نظر از اینکه در قانون مجازات، جرم تلقی شده یا نشده باشد مخل نظم اجتماعی است (Azīmzādeh Ardabīlī, 2011). زیرا به صورت عدم پذیرش و عدم رعایت هنجارهای اجتماعی متجلی می‌شود. در برابر این رفتارها و کردارهای بزهکارانه یا کژمدارانه، سیاست جنایی کوشش می‌کند تا پاسخ‌های دولتی (رسمی) یا پاسخ‌های جامعه‌ی (غیر رسمی) را با رعایت اصول حقوق بشر امری که بی تردید باید با قاطعیت در مقام اجرای آن بود پیشنهاد کند (Nīāzpūr, 2018; Nīāzpūr et al., 2019). کلاینشرد در این خصوص می‌گوید: «سیاست جنایی، شناخت وسایل و امکاناتی است که قانونگذار می‌تواند برحسب آمادگی و امکانات خاص حکومت متبوع، به منظور جلوگیری از ارتکاب جرایم و حمایت از حقوق طبیعی تابعان خود بیابد.» فوئر باخ در این باره معتقد است که: «سیاست جنایی عبارت است از تدبیر و چاره اندیشی حکومت (دولت) قانونمند».

اندیشمندانی چون افلاطون، ارسطو، سیسرون و منتسکیو بدون آن که اصطلاح «سیاست جنایی» را در آثار خود به کار برده باشند، عملاً در مقام صاحب نظران این رشته سخن رانده اند و هنگامی که خاستگاه، هدف و روح اعمال قوانین کیفری را خارج از قلمرو حقوق، در تفکر سیاسی و نیز در بستر جامعه شناختی زمان خود قرار می‌دادند، چنان نبوده که سیاست جنایی را فقط هنر و فن قانونگذاری تلقی کرده باشند. فون لیست آلمانی (۱۸۸۹) سیاست جنایی را «مجموعه منظم اصولی که دولت و جامعه به وسیله آن‌ها باید مبارزه علیه بزه را سازمان ببخشند» تعریف کرد (Rostamī, 2021). در فرانسه نیز آقای کوش (۱۹۰۵) در «رساله علم اداره و قوانین زندان‌ها» با تفکیک علوم محض از دید وی که شامل (جرم شناسی، جامعه شناسی جنایی و انسان شناسی جنایی) می‌شد از

سیاست جنایی، به دنبال تعیین جایگاه سیاست جنایی در میان سایر رشته‌های علوم جنایی بود، بدین ترتیب از دیدگاه وی سیاست جنایی یعنی «یک علم کاربردی که هدف آن موفقیت عملی در سازمان‌دهی عقلانی و موثر مبارزه با جرم است» (Lazerge, 2003). ال‌نهایه دندی یو دو وابر استاد دانشگاه پاریس و قاضی دادگاه نورنبرگ (۱۹۳۸) دیدگاهی مشابه به کوش را تا نیمه‌های سده بیستم بر قلمرو علوم جنایی ادامه داد به نظر ایشان «سیاست جنایی یک هنر و فن است که موضوع آن کشف روش‌هایی است که مبارزه موثر علیه جرم را میسر می‌سازد» (Lazerge, 2003). پس از پایان جنگ دوم جهانی، آقای مارک آنسل قاضی و پژوهشگر فرانسوی در مقاله خویش در سال ۱۹۷۵، تعبیری نسبتاً موسع نسبت به آنچه که فوئر باخ مطرح نموده بود، ارایه نمود؛ ایشان سیاست جنایی را همزمان «علم مشاهده و مطالعه» و «هنر، فن یا استراتژی اصولی و نظام یافته واکنش ضد جنایی» دانسته است. بر اساس این دیدگاه سیاست جنایی: علاوه بر جرم که یک مفهوم حقوقی می‌باشد، به پدیده انحراف (کژروی) نیز که یک پدیده اجتماعی است نیز توجه شده است و علاوه بر جنبه سرکوبی و مجازات بزهکاری رویکرد پیش‌گیرانه را نیز شامل می‌شود که البته این پیش‌گیری، شامل پیش‌گیری اجتماعی در قالب نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... نیز می‌شود (Beccaria, 2021). در ادامه همین فرایند، خانم می‌ری دلماس مارتی، دانشمند دیگر فرانسوی، در اثری با عنوان «مدل‌ها و جنبش‌های سیاست جنایی» به بررسی همین موضوع در سال ۱۹۸۳ پرداخت. ایشان تاکنون مشهورترین فردی محسوب می‌گردد که تعبیری موسع‌تر از آنچه که مارک آنسل به آن قایل بود، ارایه نموده است. از نظر ایشان، سیاست جنایی، شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیات اجتماع با توسل به آن‌ها به سامان‌دهی پاسخ‌ها در قبال پدیده مجرمانه، می‌پردازد (Najafi Abrandābādī & Lazerge, 2021). بر پایه این تعریف، نتایج به دست آمده از مفهوم موسع

سیاست جنایی در مفهوم موسع آن یعنی از یک سو شمولیت رفتارهای انحرافی در کنار اعمال مجرمانه و از سوی دیگر نقش و حضور جامعه مدنی در کنار دولت است که در این نوشتار در مبحث سیاست جنایی، به عنوان الگوی مناسب و کارآمد مورد توجه قرار گرفته است (Najafi Abrandābādī, 2003).

سیاست جنایی اجرایی

سیاست جنایی اجرایی سیاستی است که از سوی قوه مجریه به عنوان رکن اجرایی کشور در راستای تطبیق و اجرای سیاست‌های جنایی اتخاذ شده از سوی قوه مقننه، در پیش گرفته می‌شود. بنابراین «سیاست قوهی مجریه در زمینهی کنترل جرم که ناظر بر چگونگی اجرای قوانین و رویه‌ی قضایی موجود است، سیاست جنایی اجرایی را تشکیل می‌دهد که نقش پلیس (در معنای گسترده آن شامل همه ضابطان دادگستری) در آن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ نقشی که در سطحی کلان به وظیفه‌ی پلیس در تأمین امنیت داخلی کشور باز می‌گردد» (Aṭṭār & Khājah Nā'īnī, 2015). بدین گونه که پلیس به دو صورت نقش فعالی در تحقق این سیاست می‌تواند ایفا نماید. هم از جهت کشف و دستگیری متهمین که در مقام ضابط قضایی صورت می‌گیرد و هم از جهت حضور و گشت زنی پلیس در جامعه که باعث پیش‌گیری از جرم و تحقق نظم در جامعه می‌گردد (Nīāzpur et al., 2019). ناگفته نماند که اگر همین پلیس آن گونه که باید، عمل ننماید ممکن است خود منبع بی‌نظمی و ناامنی در جامعه گردد (Vahīd, 2005, 2016). بنابراین نقش و اهمیت قوه مجریه از این جهت که رکن اجراکننده سیاست جنایی به شمار می‌رود از دو جهت حایز اهمیت می‌باشد. اول این که، قوه مجریه تنها رکن با صلاحیت در راستای تحقق و اجرای سیاست جنایی اتخاذ شده، می‌باشد. به عبارت دیگر این قوه مجریه است که نقش فعالی در به ظهور رساندن سیاست جنایی در کنار سایر ارکان دارد. از جهت دیگر این که، این تطبیق و اجرا چنان بایستی در هم‌آهنگی با سایر ارکان صورت گیرد که بتوان با

سیاست جنایی را به شرح زیر می‌توان برشمرد: پاسخ‌ها نسبت به پدیده مجرمانه، صرفاً محدود به پاسخ کیفری نمی‌شود، بلکه دیگر نظام‌های حقوقی (اداری، مدنی، انضباطی، انتظامی، مالیاتی، اجتماعی و...) را نیز در بر می‌گیرد (Yektā et al., 2022). دو بعدی شدن مصدر پاسخ‌دهی، بدین معنا که علاوه بر پاسخ رسمی نشأت گرفته از نهادهای رسمی دولتی، پاسخ‌های غیر رسمی منبعث از جامعه مدنی نیز وجود دارد (Javānmard & Shafī, 2021). به عبارت دیگر، جامعه مدنی در کنار دولت به سازمان‌دهی، پرداخت و اجرای سیاست جنایی می‌پردازد. گسترش دامنه پدیده مجرمانه، بدین معنا که علاوه بر جرم که نقض یک هنجار اجتماعی تقنینی با ضمانت اجرای رسمی می‌باشد، انحراف نیز که بی‌احترامی به هنجار اجتماعی فاقد ضمانت اجرای رسمی می‌باشد، را نیز شامل می‌شود (Delmas-Marty, 2014). به طور خلاصه باید گفت سیاست جنایی یک تأمل و تفکر معرفت‌شناسانه درباره پدیده مجرمانه، درک این پدیده و وسایلی است که برای مبارزه بر ضد رفتارهای حاکی از انحراف یا بزهکاری به اجرا گذاشته می‌شود. سیاست جنایی یک راهبرد (استراتژی) حقوقی و اجتماعی، مبتنی بر گزینه‌های سیاسی، برای پاسخ‌دهی همراه با واقع‌بینی به مسایل ناشی از پیشگیری و سرکوب پدیده مجرمانه در معنای وسیع آن است (Hoseini, 2004). بنابراین با این رویکرد، صرف نظر از گسترش مفهوم و دامنه پدیده مجرمانه از جرم، توأمأً به جرم و انحراف، ما شاهد خروج پاسخ به پدیده مجرمانه از دایره صرفاً حکومتی به پاسخ‌دهی بعدی حکومتی مدنی، هستیم؛ به عبارت دیگر، ضمن این که ماهیت رسمی نقش دولت در قبال پدیده مجرمانه حفظ می‌گردد، در کنار آن جامعه مدنی نیز به ایفای نقش می‌پردازد. مهم‌تر این که نقش جامعه مدنی نه تنها نقش تشریفاتی نمی‌باشد بلکه حتی در مواردی بسته به نوع نظام سیاستی (لیبرال، اقتدارگرا...) نقشی فراتر از نقش رسمی حکومتی نیز دارد. به لحاظ همین ویژگی فراگیر و دو بعدی

یک سیاست جنایی واحد روبه رو بود. نه این که برنامه‌ها و یا عملکرد عوامل اجرای در جهت مخالف با سیاست جنایی پیش‌بینی شده از سوی قوه مقننه باشد (Sharbatīān & Nabavī, 2022).

قاچاق و تخلفات گمرکی

بر اساس بند الف ماده (۱) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: «قاچاق کالا و ارز، هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود.» حسب ماده (۱) دستورالعمل تبصره (۴) ماده (۱۸) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۹: «کالای موضوع قاچاق، کالای تولید داخل یا وارداتی است که خلاف مقررات و تشریفات قانونی از کشور خارج یا به قصد خروج از کشور، خرید، فروش، حمل یا نگهداری شود.» هیئت دولت در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۵ به پیشنهاد ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز برخی جزئیات تعریف کالای قاچاق را تغییر داد و بر این اساس: «کالای موضوع قاچاق، کالای تولید داخل یا وارداتی است که به صورت تجاری بر خلاف ضوابط تعیینی دولت خرید، فروش، حمل یا نگهداری شود.» مطابق تبصره (۴) ماده (۱۸) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (الحاقی ۱۳۹۴/۷/۲۱): «خرید، فروش، حمل یا نگهداری کالاهایی که موضوع قاچاق قرار می‌گیرند به صورت تجاری مانند فرآورده‌های نفتی و دارویی خارج از ضوابط تعیینی دولت تخلف محسوب و مرتکب علاوه بر ضبط کالای مزبور حسب مورد به حداقل جریمه نقدی مقرر در این ماده محکوم می‌شود» در تعریف قبلی (ماده ۱ دستورالعمل تبصره ۴ الحاقی به ماده ۱۸) به جای عبارت ضوابط تعیینی دولت به مقررات و تشریفات قانونی اشاره شده بود. کنوانسیون‌های بین‌المللی گمرکی اشارات متعددی به

موضوع قاچاق دارند ولی یک کنوانسیون به عنوان کنوانسیون اصلی اختصاص به موضوع قاچاق و تخلفات گمرکی دارد و آن «کنوانسیون بین‌المللی کمک‌های متقابل اداری به منظور پیشگیری تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی» مصوب اکتبر ۱۹۷۷ شورای همکاری گمرکی در کشور ناپروبی است. (قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مذکور در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۲۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.) این کنوانسیون برای اولین بار واژه قاچاق را در کنار واژه تخلف و تقلب گمرکی تعریف کرده است که با یکدیگر ارتباط کامل دارد. مطابق بند ت ماده یک این کنوانسیون «ت- اصطلاح "قاچاق" عبارت از تقلب گمرکی است که شامل گذراندن مخفیانه کالا به هر طریقی از مرزهای گمرکی است. با توجه به این تعریف نیاز است که به تعاریف تقلب و تخلف گمرکی نیز در این کنوانسیون اشاره کنیم. طبق بند پ ماده ۳ «پ- اصطلاح تقلب گمرکی عبارت از تخلف گمرکی است که بدان وسیله شخصی موجب اغفال گمرک و فرار از پرداخت تمام و یا بخشی از مالیات‌ها و عوارض مربوط به ورود و صدور شده یا اجرای ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های موضوع قانون امور گمرکی را نادیده گرفته و یا منافی مغایر با قانون امور گمرکی به دست آورد. و طبق بند ب ماده ۳ این کنوانسیون «ب- اصطلاح "تخلف گمرکی" عبارت از هر نوع نقض و یا شروع و اقدام به نقض قانون امور گمرکی است» البته از منظر سازمان جهانی گمرک، به عنوان یک سازمان بین‌المللی که وظیفه ارتقای اثر بخشی و کارایی ادارات گمرک کشورها را به عهده دارد، کشورهای مختلف در خصوص تعریف این سه واژه حقوقی و تعیین دایره شمول آن‌ها اختیاراتی خواهند داشت به عنوان مثال در برخی کشورها فریب گمرک فقط وقتی تقلب تلقی می‌شود که عمومی باشد. همچنین در برخی کشورها یا قلمروهای گمرکی، تخلف از برخی مقررات مصوب یا مقررات تنظیم شده که توسط مقامات گمرک از جانب سایر دستگاه‌های

دولتی اجرا می‌شود به عنوان یک تقلب گمرکی تلقی نشود (Dāvūdī, 2022). علاوه بر آن فریب از طریق ترک فعل ممکن است به عنوان تخلف گمرکی تلقی بشود و یا خیر. در خصوص تخلفات گمرکی نیز وضع مشابهی وجود دارد. کنوانسیون بین المللی، نظام‌های تقنینی ملی را در تعریف تخلفات گمرک و بیان شرایطی که طی آن مقامات نسبت به آن تحقیقات لازم را به عمل آورند یا رسیدگی کنند آزاد گذاشته است. در خصوص تعریف واژه قاچاق، سازمان جهانی گمرکات در تفسیر رسمی که از کنوانسیون نایروبی به عمل آورده است دامنه شمول آن را گسترش داده است و با ارایه یک تفسیر موسع سعی در جلوگیری از سوء استفاده‌های رایج ناشی از تعاریف دقیق غیر قابل انعطاف داشته است (Nīāzpūr, 2018). مطابق این تفسیر، تعریف کنوانسیون از قاچاق نه تنها شامل مواردی که کالا برای فرار از کنترل‌های گمرکی پنهان شده است می‌شود، بلکه شامل مواردی نیز می‌شود که در آن کالاها اگر چه پنهان نشده، ولی به طرز صحیح به گمرکات اظهار نشده است. این واژه تمام شیوه‌های حمل و نقل از جمله پست را شامل می‌شود. با توجه به این اختیارات گسترده که در تعریف و تعیین مصداق تخلف، تقلب و قاچاق گمرکی به کشورهای عضو داده شده است شاهد آن هستیم که مصداق آنان بسیار متنوع و گوناگون در قوانین کشورهای مختلف متجلی می‌شود بدون آن که از مقررات کنوانسیون‌ها تخطی صورت گرفته باشد (Afrāz, 2024). در قانون امور گمرکی ایران مصوب ۱۳۹۰ نیز تعاریف استاندارد سازمان جهانی گمرک مد نظر قرار گرفته و حتی در بند (ص) ماده ۳ قانون مذکور، رعایت توصیه‌های سازمان جهانی گمرک، بعنوان یکی از وظایف و اختیارات گمرک جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است.

بررسی ساختار سیاست جنایی اجرایی ایران

الف) مشکلات اجرایی: مهم‌ترین چالش سیاست جنایی اجرایی ایران در حوزه مقابله با قاچاق و تخلفات گمرکی، شکاف عمیق

میان قواعد تقنینی و فرآیند اجرای آن‌هاست. اگرچه قوانین متعددی در سال‌های اخیر برای مقابله با قاچاق کالا و ارز، شفاف‌سازی زنجیره تجارت خارجی و تقویت نقش گمرک تصویب شده است، اما در مقام اجرا به دلیل ناهماهنگی نهادی، ضعف ابزارهای اجرایی و تعدد برداشت‌ها، این قوانین کارآمدی لازم را پیدا نکرده‌اند. یکی از مشکلات بنیادی، عدم تعریف روشن و مشترک از مفهوم «تخلف» و «جرم» در سطح اجرایی است. مأموران گمرک، نیروهای انتظامی، ضابطان خاص و حتی دستگاه‌های نظارتی برداشت واحدی از مصداق تخلف گمرکی ندارند. این تعارض تفسیری موجب می‌شود موارد مشابه، در برخی مواقع «قاچاق» و در موارد دیگر «تخلف گمرکی» محسوب شود؛ امری که نه تنها باعث سرگردانی فعالان تجاری می‌شود بلکه استمرار رفتارهای خلاف قانون را نیز تسهیل می‌کند. مشکل دوم، ضعف در نظام کنترل و نظارت عملیاتی بر مبادی ورودی و خروجی است. بخش قابل توجهی از تجهیزات کنترلی گمرک، قدیمی، ناکافی یا غیر استاندارد است؛ از جمله کمبود دستگاه‌های X-Ray پرسرعت، نبود سیستم‌های تشخیص هوشمند ریسک، و وابستگی شدید به کنترل‌های انسانی. این ضعف باعث می‌شود حجم بالایی از کالاهای ورودی بدون کنترل دقیق عبور کند یا فرصت‌های کشف کالاهای مشکوک از بین برود (Bāyāt, 2025). حتی در مواردی که تخلف کشف می‌شود، نبود زنجیره دقیق اثبات ادله و ضعف در مستندسازی، فرآیند تعقیب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چالش مهم دیگر، تداخل وظایف و تکرار عملکرد بین نهادهای متعدد اجرایی است. گمرک، ستاد مبارزه با قاچاق، نیروی انتظامی، سازمان بنادر، وزارت صمت، سازمان استاندارد و... هر کدام بخش‌هایی از نظارت را بر عهده دارند (Najafi Abrandābādī, 2018). این موازی‌کاری، علاوه بر ایجاد بروکراسی سنگین، موجب کاهش سرعت ترخیص و در نهایت تشویق فعالان اقتصادی به مسیرهای غیرشفاف

می‌شود. در نبود تقسیم‌کار روشن، مسئولیت‌گریزی نهادی و فقدان پاسخگویی منسجم نیز تشدید می‌شود. همچنین، نبود آموزش کافی و تخصصی در حوزه کشف تخلفات گمرکی و کنترل تجاری، مسئله‌ای اساسی است. کارکنانی که با حجم عظیم قوانین، سامانه‌ها و رویه‌های پیچیده سر و کار دارند، اغلب آموزش‌های نظام‌مند و به‌روز دریافت نمی‌کنند؛ در حالی که قاچاقچیان از روش‌های پیچیده و نوظهور بهره می‌برند. در مجموع، مشکلات اجرایی نشان می‌دهد که سیاست جنایی اجرایی ایران از فقدان ابزارهای مدرن، ناهماهنگی نهادی، ضعف در اجرای دقیق قانون و محدودیت تخصص منابع انسانی رنج می‌برد و همین ضعف‌ها، کارآمدی سیاست‌های کلان مقابله با قاچاق را به شدت کاهش می‌دهد (Jamshīdi et al., 2020).

ب) مشکلات فناورانه و اطلاعاتی: در جهان امروز، مقابله با قاچاق بدون زیرساخت‌های فناورانه و اطلاعاتی کارآمد تقریباً ناممکن است. یکی از بارزترین مشکلات سیاست جنایی اجرایی ایران در حوزه گمرک، نبود سامانه‌های هوشمند یکپارچه و فقدان جریان داده قابل اعتماد است. اگرچه سامانه‌هایی مانند EPL، پنجره واحد تجارت فرامرزی و سامانه جامع تجارت ایجاد شده‌اند، اما این سامانه‌ها نه تنها به‌طور کامل به یکدیگر متصل نیستند، بلکه بسیاری از نهادهای کلیدی نیز به این شبکه متصل نشده‌اند. این عدم یکپارچگی اطلاعاتی موجب می‌شود فرآیند رهگیری کالا از مرحله ثبت سفارش تا ترخیص، چندپاره، غیرقابل اعتماد و آسیب‌پذیر باشد. قاچاقچیان با استفاده از همین خلأها، مسیرهای جعل اسناد، اظهار خلاف واقع، ثبت اطلاعات ناقص و جابه‌جایی غیرمجاز کالا را ایجاد می‌کنند. مشکل دیگر، نبود بانک‌های اطلاعاتی مشترک میان گمرک، پلیس، تعزیرات، دادگستری و سایر نهادهای مرتبط است. در بسیاری از کشورها، سیستم‌های نظارتی مبتنی بر مدیریت ریسک بخش اساسی سیاست جنایی اجرایی را تشکیل می‌دهد؛ اما در ایران، به دلیل نبود داده‌های

دقیق و به‌روز، امکان اعمال مدیریت ریسک هوشمند محدود است. به همین دلیل، کنترل‌ها اغلب «چشم‌بسته» و غیرهدفمند هستند و این امر علاوه بر کاهش کارآمدی، باعث اتلاف توان اجرایی در نقاط کم‌خطر و بی‌توجهی به مبادی پرریسک می‌شود. چالش مهم دیگر، نبود رصد الکترونیک زنجیره حمل‌ونقل و انبارش است. بسیاری از کالاها پس از خروج از گمرک، به دلیل نبود سامانه‌های مکان‌محور (GIS) یا سنسورهای ردیاب، قابل نظارت نیستند و همین امر فرصت‌های گسترده‌ای برای قاچاق معکوس، کم‌اظهاری یا تغییر مقصد کالا ایجاد می‌کند (Mīrī et al., 2022). در کنار این‌ها، مشکل فقدان شفافیت اطلاعاتی نیز وجود دارد. آمار موثق و قابل اتکا درباره تخلفات گمرکی، حجم قاچاق کشف‌شده، و پرونده‌های منجر به محکومیت، به شکل عمومی منتشر نمی‌شود. این پنهان ماندن داده‌ها باعث می‌شود سیاستگذاری بر پایه «حدس و گمان» صورت گیرد، نه بر اساس تحلیل دقیق داده‌های واقعی. بنابراین، مشکلات فناورانه و اطلاعاتی نشان می‌دهد که سیاست جنایی اجرایی ایران بدون نظام اطلاعاتی یکپارچه، سامانه‌های هوشمند و داده‌های دقیق، از ابزارهای ضروری برای مقابله نظام‌مند با قاچاق محروم است.

ج) نقد عملکرد سازمان‌ها در حوزه سیاست جنایی اجرایی: گمرک جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان خط مقدم کنترل و پیشگیری از قاچاق، به دلیل کمبود تجهیزات، نبود یکپارچگی سامانه‌ها و وابستگی شدید به کنترل انسانی، نتوانسته است نقش «مرزبان اقتصادی» را به‌طور کامل ایفا کند. گمرک در سطح ستادی پیشرفت‌هایی داشته، اما در سطح میدانی همچنان با شکاف‌های عمیق تجهیزاتی و ساختاری مواجه است. علاوه بر این، تفسیرهای غیرواحد از قانون امور گمرکی و قانون مبارزه با قاچاق، عملکرد گمرک را متزلزل کرده است. ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اینکه نقش هماهنگ‌کننده دارد، اما به دلیل نداشتن ابزار اجرایی مستقیم، در بسیاری از موارد صرفاً صادرکننده دستورالعمل است

«نظام‌مندی حقوقی»، و این امر از اساس کارآمدی سیاست جنایی را مخدوش می‌کند. دلیل دوم این ناکارآمدی، تعدد مراکز تصمیم‌سازی و پراکندگی مسئولیت‌های اجرایی است. سیاست جنایی اجرایی نیازمند وجود یک مرجع واحد سیاست‌گذار، هماهنگ‌کننده و ناظر است؛ اما در حوزه قاچاق گمرکی، نهادهای مختلفی از گمرک و ستاد مبارزه با قاچاق گرفته تا وزارت صمت، نیروی انتظامی، سازمان بنادر، سازمان استاندارد و ده‌ها دستگاه دیگر هر کدام بخشی از فرایند نظارت را در اختیار دارند. این تعدد، منجر به «ابهام در مسئولیت»، «پاسخ‌ناپذیری نهادی» و «بالاتکلیفی در اجرای تصمیمات» شده است. در چنین ساختاری، هیچ نهادی مسئول نهایی شکست یا موفقیت نیست و هر دستگاهی می‌تواند ناکارآمدی را به دستگاه دیگر نسبت دهد (Rostami, 2021). این ساختار از اساس با الزامات سیاست جنایی کارآمد که بر تمرکز، انسجام و مسئولیت‌پذیری استوار است، ناسازگار است. عامل سوم، فقدان یک نظام اطلاعاتی منسجم، شفاف و مبتنی بر داده‌های دقیق است. سیاست جنایی اجرایی در جهان امروز بر پایه داده، تحلیل ریسک و نظارت هوشمند عمل می‌کند؛ اما در ایران، نبود سامانه‌های یکپارچه و نبود تبادل اطلاعات میان دستگاه‌های مرتبط، باعث شده است که فرآیند شناسایی و کنترل قاچاق نه بر اساس تحلیل دقیق داده، بلکه بر اساس روش‌های سنتی و غیرهدفمند انجام شود. این وضعیت موجب می‌شود که تمرکز نظارتی به‌جای نقاط پرریسک بر نقاط کم‌اهمیت قرار گیرد و بخش عمده‌ی ظرفیت اجرایی هدر رود (Najafi, 2021). علاوه بر این، عدم انتشار عمومی آمارهای واقعی از تخلفات گمرکی و برخوردها، امکان پایش سیاست‌گذاری و ارزیابی نتایج را ناممکن می‌سازد. عامل دیگر، ضعف ساختاری در ابزارها و امکانات اجرایی است. بسیاری از گمرکات کشور فاقد تجهیزات مدرن نظارتی مانند اسکنرهای پرسرعت، سیستم‌های هوشمند تشخیص ریسک،

و بر حسن اجرای آن‌ها نیز کنترل مؤثر ندارد. همین امر باعث شده بسیاری از مصوبات ستاد در سطح اجرا یا با تأخیر اجرا شود یا اساساً عملیاتی نشود (Gholāmī Razīnī et al., 2021). نیروی انتظامی و مرزبانی نیز بیشتر بر کشفیات میدانی و سستی تمرکز دارند تا کشف هوشمند مبتنی بر تحلیل داده و رصد زنجیره تجارت. کمبود فناوری‌های نوین، ضعف در اتصال سامانه‌ها و نقص در آموزش تخصصی نیروها، مانع ایفای نقش مؤثر این نهادها در پیشگیری مؤثر از قاچاق است. سازمان تعزیرات حکومتی و محاکم دادگستری نیز با دو چالش روبه‌رو هستند: ۱. تشتت در رویه‌ها و تفسیر قوانین؛ ۲. طولانی بودن فرآیند رسیدگی و نبود آمار دقیق از میزان محکومیت‌ها (Yektā et al., 2022). این وضعیت موجب کاهش بازدارندگی مجازات‌ها و شکل‌گیری این تصور شده که نظام قضایی در برخورد با جرایم گمرکی کارآمد نیست.

تبیین عوامل تضعیف‌کننده کارآمدی سیاست جنایی در سازمان‌ها

کارآمدنبودن سیاست جنایی اجرایی در ایران، به‌ویژه در حوزه مبارزه با قاچاق و تخلفات گمرکی، محصول مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، نهادی، تقنینی و فناورانه است که در کنار یکدیگر یک چرخه ناکارآمدی را شکل می‌دهند. نخستین دلیل این ناکارآمدی، گسست میان سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی اجرایی است. (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۷۸) اگرچه قانون‌گذار در سال‌های اخیر مجموعه‌ای از قوانین و اصلاحات را با هدف مقابله با قاچاق تدوین کرده است، اما این قوانین بدون طراحی سازوکارهای دقیق اجرایی، بدون تعیین ابزارهای لازم و بدون پیش‌بینی ظرفیت نهادی مناسب به اجرا گذاشته شده‌اند. بنابراین در سطح اجرا، نهادها با مقرراتی مواجه‌اند که یا قابلیت اجرا ندارند، یا ابزار اجرای آن‌ها فراهم نشده، یا با سایر قوانین دچار تعارض‌اند. در چنین شرایطی، اجرای قانون بیشتر به «صلاح‌دید اجرایی» بستگی پیدا می‌کند تا به

سامانه‌های رهگیری کالا و ابزارهای الکترونیک کنترل‌اند. این ضعف نه تنها قدرت کشف تخلفات را کاهش داده است، بلکه فرصت‌های متعددی برای دور زدن نظام نظارتی ایجاد می‌کند. در غیاب فناوری، بخش عمده وظایف نظارتی بر دوش کنترل‌های انسانی قرار می‌گیرد؛ امری که در ذات خود با خطا، فساد، سلیقه‌گرایی و بی‌ثباتی همراه است. بنابراین، سیاست جنایی اجرایی بدون پشتوانه فناورانه، ناگزیر شکننده و ناکارآمد خواهد بود. عامل مؤثر دیگر، بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری اجرایی و فقدان ثبات در مدیریت‌هاست. تغییرات پی‌درپی مدیران، سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌ها باعث شده است سیاست جنایی اجرایی فاقد یک مسیر ثابت و بلندمدت باشد. در چنین فضایی، نهادهای اجرایی یا فرصت کافی برای پیاده‌سازی سیاست‌ها را پیدا نمی‌کنند یا در میانه مسیر با تغییر مسیر مواجه می‌شوند. این بی‌ثباتی، فرهنگ سازمانی مبتنی بر برنامه‌ریزی بلندمدت را تضعیف کرده و اجرای سیاست‌ها را به سطحی و مقطعی کاهش داده است. یکی از مهم‌ترین دلایل ناکارآمدی نیز کاستی‌های جدی در مدیریت منابع انسانی و فقدان آموزش‌های تخصصی است. اجرای سیاست جنایی گمرکی نیازمند نیروهای آموزش‌دیده در زمینه فناوری‌های نوین، تحلیل اسناد تجاری، ارزیابی ریسک، و مقابله با شیوه‌های پیچیده قاچاق است (Mirī et al., 2022) اما بسیاری از نیروهای موجود نه آموزش کافی دیده‌اند و نه به‌روزرسانی‌های لازم را دریافت می‌کنند. این وضعیت موجب می‌شود که در برابر شبکه‌های حرفه‌ای قاچاق که دائماً روش‌های جدید خلق می‌کنند، نهادهای اجرایی دچار ناتوانی شوند. در کنار این موارد، تشتت رویه‌های قضایی و تفاوت برداشت محاکم و تعزیرات نیز بر این ناکارآمدی می‌افزاید. وقتی یک عمل مشابه در یک مرجع «قاچاق» و در مرجع دیگر «تخلف» محسوب می‌شود، و مجازات‌ها از جریمه جزئی تا حبس سنگین متفاوت است، نه تنها پیش‌بینی‌پذیری نظام حقوقی کاهش می‌یابد، بلکه متهمان نیز از

همین اختلاف برای گریز از مسئولیت استفاده می‌کنند. این وضعیت بازدارندگی سیاست جنایی اجرایی را به‌شدت کاهش می‌دهد. بنابراین، ناکارآمدی سیاست جنایی اجرایی نه نتیجه یک نقص منفرد، بلکه حاصل «ترکیب معیوبی» از کاستی‌هاست که در کنار هم موجب شده‌اند نظام مقابله با قاچاق نتواند به اهداف خود دست یابد. اصلاح این وضعیت نیازمند یکپارچه‌سازی نهادها، تحول فناورانه، تقویت شفافیت داده و بازتعریف نقش گمرک به‌عنوان مرزبان اقتصادی است.

ارزیابی انتقادی عملکرد سازمان‌های مسئول

ارزیابی انتقادی عملکرد سازمان‌های مسئول در اجرای سیاست جنایی پیشگیری از قاچاق و تخلفات گمرکی، مستلزم تحلیل هم‌زمان سه سطح عملکردی است: نخست، بررسی کارآمدی نهادهای سازمان‌ها در ایفای وظایف قانونی؛ دوم، سنجش هماهنگی سازمانی در اجرای سیاست‌های کلان ضدقاچاق؛ و سوم، تحلیل توانمندی‌های فناورانه و اطلاعاتی که زیربنای اجرای سیاست جنایی در جهان معاصر به‌شمار می‌روند. در این چارچوب، عملکرد گمرک جمهوری اسلامی ایران، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، نیروی انتظامی و مرجع قضایی (اعم از تعزیرات و دادگاه‌ها) دارای اهمیت بنیادی است و کارکرد هر یک از این نهادها بر میزان موفقیت سیاست جنایی اجرایی در حوزه گمرک تأثیر مستقیم دارد (Jamshīdī et al., 2020). گمرک جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان اصلی‌ترین مرجع اجرای سیاست جنایی گمرکی، در جایگاه «مرزبان اقتصادی» کشور قرار دارد. از نظر قانونی، وظایف گمرک شامل کنترل ورودی‌ها و خروجی‌ها، تشخیص تخلفات و قاچاق، ثبت و تحلیل داده‌های تجاری، بهره‌گیری از سامانه‌های الکترونیک، و فراهم کردن زمینه اجرای مدیریت ریسک است. اما بررسی عملکرد میدانی گمرک نشان می‌دهد که این سازمان با شکاف عمیقی میان ظرفیت‌های قانونی و توان اجرایی مواجه است. بسیاری از مبادی مرزی کشور فاقد

تجهیزات کنترلی استاندارد هستند، اسکنرهای سریع و هوشمند به اندازه کافی نصب نشده‌اند، و بخش قابل توجهی از فرآیندهای احراز تخلف همچنان به صورت دستی یا با ابزارهای سنتی انجام می‌شود. این وضعیت، نه تنها امکان کشف هوشمندانه تخلفات را محدود کرده بلکه وابستگی شدید به کنترل انسانی را موجب شده است؛ امری که در نظام‌های مدرن مقابله با قاچاق، یک نقطه ضعف بنیادی تلقی می‌شود (عطار، خواجه نائینی، ۱۳۹۴)، افزون بر این، نبود یکپارچگی میان سامانه‌های گمرکی و سامانه‌های سایر دستگاه‌ها مانند سامانه جامع تجارت، سامانه حمل و نقل، و پایگاه‌های اطلاعاتی پلیس سبب شده که فرآیند رهگیری کالا از لحظه ورود تا ترخیص، کامل و قابل اتکا نباشد. تعدد سامانه‌ها، تکرار داده‌ها، نبود هم‌خوانی میان اطلاعات ثبت شده و اختلافات مکرر در اظهار کالا، موجب شده است که کالاهای مشکوک در بخش‌هایی از زنجیره بدون نظارت کافی جابه‌جا شوند. از این منظر، گمرک علی‌رغم وجود زیرساخت‌های قانونی و فنی، هنوز نتوانسته استانداردهای جهانی در زمینه مدیریت ریسک، کنترل هوشمند و ارزیابی یکپارچه را پیاده‌سازی کند. دلیل این ناکامی را می‌توان در کمبود سرمایه‌گذاری فناورانه، ضعف مدیریت منابع انسانی متخصص و نبود اراده نهادی برای تحول دیجیتال جست‌وجو کرد. در سطحی دیگر، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز به عنوان نهاد هماهنگ‌کننده سیاست جنایی اجرایی، نقشی مهم در انسجام بخشی به فعالیت‌های دستگاه‌ها دارد. با این حال، عملکرد ستاد در عمل با محدودیت‌های جدی مواجه است. ستاد، یک سازمان سیاست‌گذار و نظارتی است و فاقد ابزار اجرایی مستقیم محسوب می‌شود؛ به همین دلیل بخش عمده فعالیت آن به «صدور مصوبه» و «ابلاغ دستورالعمل» محدود می‌شود (Nīāzpūr et al., 2019). در نبود سازوکار الزام‌آور برای ضمانت اجرای تصمیمات ستاد، بسیاری از مصوبات یا با تأخیر اجرا می‌شوند یا اصلاً اجرایی نمی‌گردند. افزون بر این، ستاد به دلیل

تعدد اعضا و ساختار فرباشی، در بسیاری مواقع با مقاومت نهادی یا تفسیرهای متفاوت دستگاه‌ها مواجه است. به بیان دیگر، ستاد در موقعیت هماهنگ‌کننده‌ای قرار دارد که ابزار لازم برای اعمال هماهنگی را در اختیار ندارد؛ وضعیتی که موجب فاصله میان سیاست‌گذاری و عمل اجرایی شده است. نیروی انتظامی و مرزبانی نیز بخش مهمی از سیاست جنایی اجرایی را در سطح کشف میدانی بر عهده دارند. عملکرد این نهادها در سال‌های اخیر بیشتر بر گشت‌های فیزیکی و روش‌های سنتی مبتنی بوده است تا بهره‌گیری از سامانه‌های تحلیل داده، ردیابی هوشمند و کنترل مبتنی بر ریسک. کمبود فناوری‌های نوین، نبود اتصال کامل میان سامانه‌های مرزبانی و گمرک، و ضعف در بهره‌گیری از تجهیزات مکان‌محور (GIS، سنسورهای ردیاب، دوربین‌های هوشمند) موجب شده است که بسیاری از تخلفات، تنها در مرحله عبور فیزیکی و نه در مرحله برنامه‌ریزی یا جابه‌جایی شناسایی شوند. این امر، سیاست جنایی اجرایی را از یک سیاست «پیشگیرانه» به یک سیاست «واکنش پسینی» تبدیل کرده است؛ حال آنکه در نظام‌های کارآمد، بخش عمده پیشگیری از قاچاق در مرحله تحلیل هوشمند اطلاعات صورت می‌گیرد نه در مرحله کشف فیزیکی. نهاد قضایی و سازمان تعزیرات حکومتی نیز با چالش‌هایی جدی مواجه‌اند. مهم‌ترین مسئله، تشتت رویه‌ها و اختلاف برداشت میان مراجع قضایی، تعزیرات و گمرک درباره تعریف مصادیق قاچاق و تخلف است. در بسیاری از پرونده‌ها، یک رفتار مشابه در یک مرجع «تخلف گمرکی» و در مرجع دیگر «قاچاق» تلقی می‌شود. این اختلافات پیامدهایی جدی برای نظام پیشگیری ایجاد کرده است: کاهش پیش‌بینی‌پذیری برای فعالان اقتصادی؛ افزایش فرصت‌های دور زدن قانون برای مرتکبان؛ و کاهش بازدارندگی مجازات‌ها به دلیل صدور احکام ناهمگون (Sharbatīān & Nabavī Chāshmi, 2022). از سوی دیگر، طولانی بودن فرآیند رسیدگی، نبود آمار شفاف و رسمی از میزان محکومیت‌ها

و عدم انتشار عمومی داده‌های عملکردی، موجب شده سیاست جنایی اجرایی فاقد شفافیت لازم برای پایش اثربخشی باشد. عامل دیگری که باید در ارزیابی عملکرد سازمان‌ها مورد توجه قرار گیرد، ضعف در مدیریت منابع انسانی متخصص است. کشف تخلفات گمرکی و اجرای سیاست جنایی اجرایی در جهان امروز، نیازمند نیروهای آموزش‌دیده در حوزه‌هایی مانند تحلیل داده، مدیریت سامانه‌های هوشمند، ارزیابی اسناد تجاری، تحلیل الگوهای جرم، و فناوری‌های نوین است. اما در بسیاری از دستگاه‌ها، آموزش‌های تخصصی محدود، ناپیوسته و غیرسیستماتیک است. گردش بالای نیروها، انتصاب‌های غیرتخصصی، و فقدان مسیر شغلی برای متخصصان حوزه تجارت خارجی و گمرک نیز از عواملی است که موجب کاهش کیفیت اجرای سیاست‌های ضد قاچاق شده است.

واکاوی شکاف ساختاری میان سیاست جنایی تقنینی و اجرایی

در ایران

یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام مبارزه با قاچاق و تخلفات گمرکی در ایران، شکاف عمیق و تاریخی میان سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی اجرایی است. این شکاف، نه یک اختلاف سطحی، بلکه یک گسست ریشه‌دار و ساختاری است که کارآمدی سیاست جنایی را به‌طور جدی محدود کرده و موجب شده است اهدافی که قانون‌گذار در مرحله تولید قانون دنبال می‌کند، در مرحله اجرا به‌طور کامل محقق نشود. نخست، سیاست جنایی تقنینی در ایران معمولاً با رویکردی واکنشی، پراکنده و مقطعی تدوین می‌شود. قانون‌گذار غالباً تحت تأثیر بحران‌های کوتاه‌مدت اقتصادی یا فشارهای سیاسی، به جرم‌انگاری یا اصلاح قوانین موجود اقدام می‌کند، بی‌آنکه ارزیابی دقیقی از ظرفیت دستگاه‌های اجرایی یا امکان‌پذیری اجرای مقررات صورت گیرد. به همین دلیل، بخش قابل توجهی از مواد قانونی در حوزه گمرک و قاچاق، بدون طراحی سازوکار اجرایی دقیق، بدون تعیین ابزارهای لازم و

بدون برآورد هزینه‌های اجرایی تصویب می‌شود. این وضعیت باعث می‌شود فاصله میان «قانون مطلوب» و «امکان اجرای واقعی آن» روزبه‌روز افزایش یابد. دوم، شکاف میان قانون و اجرا ناشی از تعدد مراکز قانون‌گذاری و تصمیم‌سازی است. علاوه بر مجلس شورای اسلامی، نهادهایی همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیأت وزیران، ستاد مبارزه با قاچاق و حتی برخی شوراهای فرباخشی، در تصویب مقررات مرتبط با تجارت خارجی دخالت دارند. این تعدد، موجب پیدایش مصوبات پراکنده، گاه متناقض و یا فاقد انسجام شده است. دستگاه‌های اجرایی در چنین فضایی با مجموعه‌ای از قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های موازی روبه‌رو هستند که اجرای هماهنگ آن‌ها دشوار یا حتی ناممکن است. اجراکنندگان قانون اعم از گمرک، نیروی انتظامی، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سایر نهادهای مرتبط—به دلیل فقدان منابع انسانی آموزش‌دیده، محدودیت‌های تجهیزاتی نبود سامانه‌های هوشمند و ناهماهنگی سازمانی توان اجرای دقیق و کامل قوانین را ندارند. این در حالی است که قانون‌گذار اغلب بدون توجه به ظرفیت واقعی اجرا، حجم تکالیف قانونی را افزایش می‌دهد. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری «قوانین روی کاغذ» و «سیاست‌های غیرقابل اجرا» است. اختلاف تفسیری میان نهادهای اجرایی و قضایی نیز این شکاف را تشدید می‌کند. برای نمونه، مصادیق «تخلف گمرکی» و «قاچاق» در موارد مشابه، در گمرک، دادگاه‌ها و سازمان تعزیرات به‌طور متفاوت تفسیر می‌شود. این تفاوت برداشت‌ها نه تنها اجرای قانون را دشوار می‌سازد، بلکه موجب کاهش اعتماد فعالان اقتصادی و تضعیف بازدارندگی قوانین نیز می‌گردد.

پیامدهای ناهماهنگی میان سیاست جنایی تقنینی و اجرایی بر

پیشگیری از قاچاق

ناهماهنگی میان سیاست جنایی تقنینی و اجرایی در ایران آثار گسترده و چندلایه‌ای بر نظام پیشگیری از قاچاق و تخلفات

بالایی از انرژی و زمان مصرف می‌شود. این توزیع نامتوازن منابع، فرصت‌های طلایی کشف قاچاق را از بین می‌برد و هزینه‌های عمومی مبارزه با قاچاق را افزایش می‌دهد. پیامد مهم دیگر، تضعیف هماهنگی بین‌نهادی و افزایش تعارض سازمانی است. دستگاه‌های اجرایی که با قوانین متعارض و تکالیف ناهماهنگ روبه‌رو هستند، هر یک برداشت متفاوتی از وظایف خود دارند و در نتیجه، به‌جای همکاری، گاهی در رقابت یا تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند. این اختلافات، مسیر پیشگیری را کند و پیچیده می‌کند و باعث می‌شود فرآیندهای کشف، گزارش‌دهی، پیگیری و رسیدگی فاقد انسجام باشد. در واقع این ناهماهنگی موجب گسترش اقتصاد زیرزمینی و کاهش اثربخشی سیاست‌های کلان اقتصادی می‌شود. وقتی قاچاق به دلیل ضعف اجرایی کاهش نمی‌یابد، نه تنها درآمدهای دولت کاهش پیدا می‌کند، بلکه سیاست‌های حمایتی از تولید داخل، نظام قیمت‌گذاری و ثبات بازار نیز آسیب می‌بیند.

نتیجه‌گیری

بررسی سیاست جنایی اجرایی ایران در حوزه پیشگیری از قاچاق و تخلفات گمرکی نشان می‌دهد که مسئله قاچاق، صرفاً یک چالش اقتصادی یا انتظامی نیست، بلکه نتیجه مجموعه‌ای از نارسایی‌ها در سطوح مختلف سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، اجرا و فناوری است. تحلیل انجام‌شده در این مقاله روشن ساخت که کارآمدی سیاست جنایی، زمانی تحقق می‌یابد که میان سه بعد اصلی آن تقنین، اجرا و قضا انسجام و هماهنگی وجود داشته باشد؛ حال آنکه در ایران، این هماهنگی به‌طور کامل شکل نگرفته است و همین امر، مهم‌ترین عامل استمرار آسیب‌های موجود در مقابله با قاچاق محسوب می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد که شکاف میان سیاست جنایی تقنینی و اجرایی، از یک‌سو موجب صدور قوانین متوالی، سنگین و بعضاً غیرقابل اجرا شده و از سوی دیگر، ظرفیت نهادهای اجرایی برای اعمال چنین قوانینی فراهم نشده است. این

گمرکی برجای می‌گذارد؛ آثاری که نه تنها کارآمدی ساختار نظارتی را کاهش می‌دهد، بلکه به‌صورت مستقیم موجب افزایش زمینه‌های بروز قاچاق، تکرار تخلفات و کاهش بازدارندگی می‌شود. نخستین پیامد این ناهماهنگی، کاهش پیش‌بینی‌پذیری نظام حقوقی و تضعیف اعتماد فعالان تجاری است. فعالان اقتصادی زمانی به رعایت قوانین پایبند می‌مانند که بتوانند قواعد حاکم بر تجارت را پیش‌بینی کنند و مطمئن باشند اجرای مقررات با ثبات، منسجم و قابل اتکا انجام می‌شود. اما هنگامی که قانون‌گذار مفاهیم و الزامات سنگینی تعیین می‌کند و دستگاه‌های اجرایی به دلایل فناورانه، انسانی یا ساختاری قادر به اجرای آن نیستند، رابطه میان قانون و عمل مخدوش می‌شود. این وضعیت فضای مبهمی ایجاد می‌کند که در آن برخی افراد عمداً یا سهواً به سمت رفتارهای غیرقانونی سوق داده می‌شوند، زیرا قوانین در عمل «غیرقابل اجرا» یا «قابل دور زدن» به نظر می‌رسند. پیامد مهم دیگر، کاهش اثر بازدارندگی مجازات‌ها و تضعیف سیاست‌های پیشگیرانه است. زمانی که اجرای قانون ناهماهنگ، متناقض یا گزینشی باشد، مجازات‌ها کارکرد اصلی خود یعنی بازدارندگی را از دست می‌دهند. برای مثال، اگر یک عمل مشخص در یک مرجع «تخلف اداری» تلقی شود ولی در مرجع دیگر «قاچاق» شناخته شود، مرتکبان همواره می‌توانند از این اختلاف بهره‌برداری کنند. در چنین شرایطی، سیاست جنایی اجرایی به‌جای ایجاد ترس از کشف و مجازات، عملاً زمینه «محاسبه سود و زیان جرم» را برای مرتکبان فراهم می‌کند؛ فرایندی که به‌طور طبیعی منجر به افزایش تخلفات می‌شود. ناهماهنگی تقنینی اجرایی علاوه بر این، باعث اتلاف ظرفیت نظارتی و انحراف منابع اجرایی می‌گردد. نیروها و تجهیزات نظارتی به‌جای تمرکز بر نقاط پرریسک، مجبور به اجرای دستورالعمل‌های پراکنده و گاه غیرکارآمد می‌شوند. نبود سازوکارهای یکپارچه موجب می‌شود بسیاری از کالاها بدون کنترل کافی ترخیص شوند، در حالی که در نقاط کم‌اهمیت، حجم

بازنگری در شیوه اجرای قوانین، به اهداف خود نخواهد رسید. هدایت سیاست جنایی کشور به سمت الگوی یکپارچه‌سازی نهادی، تقویت هماهنگی میان دستگاه‌ها، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، ارتقای آموزش تخصصی کارکنان و تطبیق قوانین با ظرفیت‌های واقعی اجرا، لازمه ارتقای کارآمدی در این حوزه است. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که اصلاح سیاست جنایی اجرایی در ایران، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ منافع اقتصادی، افزایش شفافیت تجاری، و کنترل مؤثر قاچاق در سطح ملی است. تنها با ایجاد یک سیاست جنایی منسجم و مبتنی بر واقعیت‌های اجرایی است که می‌توان به کاهش پایدار قاچاق و ارتقای سلامت نظام تجاری کشور امیدوار بود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The phenomenon of smuggling and customs violations in Iran reflects a multidimensional governance challenge in which legal, institutional, technological, and supervisory deficiencies converge, producing a structural gap between the intentions of legislative criminal policy and the realities of operational enforcement. The body of the study demonstrates that Iran's executive criminal policy has not evolved at a pace sufficient to match the sophistication of contemporary illicit trade networks, largely due to inconsistencies in policy interpretation and limitations in institutional capacity. Central to this analysis is the conceptualization of criminal policy as a dynamic framework that must integrate legal norms, institutional coordination, and preventative strategies, a view supported by classical and modern theorists who emphasize the necessity of

تناقض، زمینه‌ساز ایجاد قوانین «صوری» یا «غیرواقع‌بینانه» شده که در عمل قابلیت تحقق ندارند. علاوه بر این، تعدد مراکز تصمیم‌سازی و ناهماهنگی بین‌نهادی باعث شده است تا دستگاه‌های اجرایی در مواجهه با قاچاق، رویکردهای متفاوت و گاه متعارض به کار گیرند؛ وضعیتی که هم سرعت و دقت کشف تخلفات را کاهش داده و هم امکان فرار قانونی یا اداری مرتکبان را افزایش داده است. همچنین، ضعف زیرساخت‌های فناورانه و نبود سامانه‌های اطلاعاتی یکپارچه از عوامل اصلی ناکامی در شناسایی و پیشگیری هوشمندانه از قاچاق بوده است. بدون بهره‌گیری از داده‌های دقیق، سیستم مدیریت ریسک و اتصال اطلاعات در سطح ملی، سیاست جنایی اجرایی نمی‌تواند از مرحله واکنش پسینی فراتر رود و به ابزارهای پیشگیرانه مؤثر دست یابد. تشتت رویه‌های قضایی و برداشت‌های متفاوت از مفاهیم قانونی نیز بر پیچیدگی این وضعیت افزوده است و بازدارندگی مجازات‌ها را به‌طور جدی کاهش داده است. بر اساس یافته‌ها، روشن است که نظام مقابله با قاچاق بدون انسجام نهادی، تحول فناورانه و responsive and context-appropriate mechanisms for addressing deviant behavior in both its criminal and sub-criminal forms (Azīmzādeh Ardabīlī, 2011). The broadening of criminal policy into non-penal responses and informal social mechanisms reflects a contemporary shift toward multi-actor governance in combating economic crime (Nīāzpūr, 2018; Nīāzpūr et al., 2019). As the study notes, the failure to integrate such broad frameworks into Iran's executive functions contributes substantially to the persistence of smuggling and customs violations, as policy implementation remains heavily tied to formalistic and reactionary structures rather than adaptive and data-driven approaches. Scholarly interpretations also highlight that the modern scope of criminal policy incorporates hybrid preventive-reactive strategies that must engage both the state and civil society to ensure effective regulation of

behavior (Beccaria, 2021; Javānmard & Shafī Khūrshīdī, 2021), yet this duality is largely absent in Iran's enforcement environment.

At the operational level, the article demonstrates that executive criminal policy—particularly the segment implemented by the executive branch—faces systemic obstacles rooted in institutional fragmentation, interpretive ambiguity, and limited alignment between statutory mandates and the actual capacity of enforcement agencies. The analysis identifies the central role of police, customs authorities, and auxiliary enforcement bodies whose coordinated functionality is essential for detecting, preventing, and responding to smuggling activities (Aṭṭār & Khājah Nā'īnī, 2015). However, the study reveals that despite the legally recognized role of these institutions, their operations suffer from inconsistent standards and recurring lapses in compliance and oversight, often enabling smuggling networks to exploit procedural vulnerabilities. The emphasis placed by the literature on the need for coherent organizational behavior further reinforces the argument that misalignment within Iran's enforcement apparatus is not merely a technical issue but a structural deficit that undermines overall policy performance (Vahīd, 2005, 2016). Also noted is the importance of synchronization between the judiciary and enforcement bodies, as disruptive disparities in institutional interpretations—particularly regarding the delineation of “crime” and “violation”—contribute to legal uncertainty (Sharbatīān & Nabavī Chāshmi, 2022). These cumulative barriers reflect a systemic governance deficiency and suggest that executive criminal policy requires not only procedural reform but an overarching reconsideration of institutional design.

The challenges of detecting and preventing customs violations are compounded by the technical complexities of classification,

definition, and evidentiary evaluation. Definitions of smuggling, customs fraud, and violations derived from international instruments and national legislation reveal conceptual inconsistencies that impede enforcement agencies from applying uniform standards across cases (Dāvūdī, 2022). The article clarifies how distinctions between “concealment,” “misdeclaration,” and “fraudulent evasion” create interpretive variations that complicate enforcement in practice, particularly when institutional actors rely on divergent readings of the same statutory provisions. International conventions such as the Nairobi Convention and interpretive guidance by the World Customs Organization offer expansive definitions that include both overt and non-concealed misrepresentations of goods, thereby broadening the operational perimeter of enforcement (Nīāzpūr, 2018). Nonetheless, the study demonstrates that Iran's executive institutions have not fully incorporated these broader norms into their operational frameworks, limiting their ability to detect sophisticated customs violations that rely on document manipulation rather than physical concealment. This gap highlights the need for a comprehensive harmonization process that aligns national operational protocols with contemporary global standards (Afrāz, 2024). Additionally, the fragmented legal interpretations between administrative bodies, customs authorities, and judicial organs create procedural inconsistencies that facilitate loopholes for violators and weaken the deterrent effect of sanctions.

A major segment of the study concentrates on the severe technological and informational deficiencies within Iran's enforcement architecture, emphasizing that without integrated digital infrastructure, executive criminal policy cannot meet the demands of modern cross-border trade monitoring. Although Iran has introduced multiple

electronic systems intended to streamline data flows, these platforms lack interoperability and fail to create a continuous information chain linking customs, police, judiciary, and supervisory entities. The article identifies the absence of an intelligent, risk-based inspection system as one of the most consequential shortcomings, resulting in arbitrary or non-prioritized inspections rather than data-driven enforcement (Bāyāt Shāhparast, 2025). This technological gap forces agencies to rely heavily on manual inspections and discretionary assessments, substantially increasing both the likelihood of error and the probability of corruption. Additionally, the lack of geospatial tracking, sensor-based monitoring, and integrated logistics surveillance produces blind spots that smuggling networks exploit to alter cargo routes, divert shipments, or manipulate documentation. The study also underscores that the absence of transparent and publicly accessible statistical reporting undermines accountability and impedes evidence-based policymaking, leaving decision-makers without a reliable empirical foundation. The cumulative impact of these shortcomings is a structurally weakened enforcement system unable to anticipate or respond effectively to evolving smuggling methodologies.

Moreover, the research provides a critical institutional assessment of the key organizations responsible for implementing executive criminal policy. Customs, as the front-line guardian of economic borders, is found to operate under conditions of chronic under-equipment, inconsistent procedural practices, and insufficient professional training, which collectively impede its ability to fulfill its statutory role (Jamshīdī et al., 2020). The Anti-Smuggling Headquarters, while positioned as a coordinating body, lacks direct operational authority and therefore cannot ensure compliance across the diverse agencies tasked with enforcement (Gholāmī

Razīnī et al., 2021). The study emphasizes that coordination failures between these agencies result in task duplication, bureaucratic delay, and blurred accountability, making the anti-smuggling framework inefficient. Similarly, law enforcement agencies remain heavily reliant on traditional patrolling methods rather than predictive analytics or technological surveillance systems, a limitation that significantly impacts the ability to prevent and disrupt organized smuggling operations. The judicial and quasi-judicial bodies, including the Organization for Governmental Punishments, face their own challenges: inconsistent interpretations of offenses, variable sentencing standards, and procedural delays that collectively diminish the deterrent value of criminal sanctions (Yektā et al., 2022). Furthermore, the article notes that insufficiently trained human resources, particularly in specialized areas such as document analysis, customs intelligence, and advanced inspection methods, exacerbate enforcement vulnerabilities (Mīrī et al., 2022). The result is a system in which each institutional weakness amplifies the others, producing an overall deficiency in criminal policy execution.

In synthesizing these findings, the research argues that the weaknesses in Iran's executive criminal policy stem not from isolated operational errors but from deeply entrenched structural misalignments between legislation, institutional capacity, and technological infrastructure. Persistent discord between legislative criminal policy and its executive implementation results in non-uniform enforcement, limited deterrence, and expanded opportunities for smuggling networks to exploit systemic gaps. The study concludes that without a unified, technologically modernized, and institutionally coherent enforcement strategy, criminal policy in the customs domain cannot achieve its intended preventive and regulatory

objectives. An effective transformation would require reconfiguration of institutional mandates, integration of data systems, enhanced professional training, and recalibration of legal definitions to ensure consistency and operational clarity across all enforcement bodies. Ultimately, strengthening executive criminal policy is indispensable not only for reducing smuggling but also for promoting economic security, protecting national revenues, and reinforcing the integrity of Iran's trade governance ecosystem.

References

- Afrāz, Ş. (2024). Investigating the Criminal Policy of Combating Goods Smuggling in Iran. The 19th International Conference on Legal and Judicial Studies,
- Aṭṭār, S., & Khājeh Nā'īnī, A. (2015). Investigation and Analysis of Factors Affecting the Inefficiency of the Policymaking System in Iran. *Public Policy Quarterly*, 1(1).
- Azīmzādeh Ardabilī, F. (2011). Criminal Policy and its Conceptual Evolution. *Excellence in Law Journal*, 15(4), 30-50.
- Bāyāt Shāhparast, L. (2025). *Legal and Criminological Analysis of Economic Crimes in Iran with Emphasis on Criminal Policy for Combating Financial Corruption*.
- Beccaria, C. (2021). *On Crimes and Punishments*. Mizan.
- Dāvūdī, F. (2022). Critique and Review of Customs Problems and Disputes from the Perspective of Iranian Law. The 4th International Conference on Jurisprudence, Law, Psychology, and Educational Sciences in Iran and the Islamic World, Tehran.
- Delmas-Marty, M. (2014). *The Great Systems of Criminal Policy*. Mizan Publishing.
- Gholāmī Razīnī, P., Bāferānī, H., & Khosroshāhī, G. (2021). Iran's Criminal Policy in Confronting Organized Drug Crimes from the Borders of the I.R.I. *Border Science and Technology Quarterly*, 10(4), 191-213.
- Hoseini, S. M. (2004). *Criminal Policy in Islam and in the Islamic Republic of Iran*. SAMT Publications.
- Jamshīdī, A., Najafī Tavānā, A., & Shafī'ī Ardestānī, A. (2020). Is Smuggling a Crime or an Offense? Explaining the Foundations of Criminalization and the Response System Considering the Instances Mentioned in the Law. The 2nd National Conference on Humanities and Development, Shiraz.
- Javānmard, B., & Shafī'ī Khūrshīdī, A. A. (2021). *Economic Criminal Law* (Vol. 1). Majd.
- Lazerge, C. (2003). *Introduction to Criminal Policy*. Mizan Publishing.
- Mirī, H., Shādmānfār, M. R., & Heydarī, M. (2022). *Explaining Iran's Criminal Policy from the Perspective of Principles and Foundations of Criminalization and Punishability with a Case Study of some Domestic Legislator Approvals*.
- Najafī Abrandābādī, A. H. (2003). From Penal Policy to Criminal Policy. In *Preface to: Introduction to Criminal Policy*. Mizan Publishing.
- Najafī Abrandābādī, A. H. (2018). Criminal Policy Against Economic Delinquency. In e. st (Ed.), *Collection of Articles on Criminal Policy Against Economic Delinquency*. Mizan Publishing.
- Najafī Abrandābādī, A. H., & Lazerge, C. (2021). On the Consonance Relationship of Criminal Policy with the Efficacy of Criminal Policies. In e. th (Ed.), *Introduction to Criminal Policy*. Mizan.
- Niāzpur, A. H. (2018). The Approach of the General Policies of the System of the Islamic Republic of Iran to "Prevention of Economic Delinquency." In A. H. Niāzpur & e. st (Eds.), *Criminal Policy Against Economic Delinquency*. Mizan Publishing.
- Niāzpur, A. H., Eftekhār Jahromī, G., & Kibrītī, K. (2019). Encyclopedia of Criminal Sciences. Article: Headquarters for Combating Economic Corruption. In e. nd (Ed.), *Encyclopedia of Criminal Sciences*. Mizan Publishing.
- Rostamī, H. (2021). Circular-Oriented Criminal Policy in the Criminal Justice Process. *Parliament and Strategy Quarterly*, 28(108).
- Sharbatīān, M., & Nabavī Chāshmī, S. H. (2022). Enforcement Guarantee of Smuggling and Customs Offenses in Iranian Law. The 2nd International Conference on New Studies in Humanities, Educational Sciences, Law, and Social Studies,
- Vahīd, M. (2005). A Look at the Problem of Public Policy Making in Iran within the Framework of Organizational Sociology and by Utilizing the Concept of Authority. *Journal of the Faculty of Law and Political Science, Tehran University*(69).
- Vahīd, M. (2016). *Public Policy Making*. Mizan Publishing.
- Yektā, A., Bārānī, M., Munzamī Tabār, J., & Afrāsīābī, A. (2022). Confronting Organized Crime from Theory to Practice. *Scientific Quarterly of International Police Studies*, 13(49), 30-57.